

Was there a Delay in the Revelation of the Ablution Verse? Evaluation of *Qur'an* Commentators' Views on al-Mā'ida 6

Sayyed Mahmud Tayyeb Hoseyni 

Professor of the Qur'anic Studies,
Research Institute of Howza and University, Qom, Iran
(corresponding author: tayyebhoseini@irhu.ac.ir).

Ali Badri 

PhD student of *Qur'an* and Hadith Sciences,
University of Qom, Qom, Iran.



Abstract

One of the important rules of worship that has an inseparable connection with prayer is the rule of ablution. The verse containing the quality of performing ablution, which is called the ablution verse, is found in Sura Mā'ida (verse 6); A sura that was revealed at the end of the life of the Prophet Muḥammad in Medina. We know that prayer was legalized in Mecca. Also, according to some evidence, the Prophet always prayed with ablution from the beginning of his Prophethood. Therefore, it is reasonable to ask why the ruling on ablution for prayer and the quality of performing it was revealed late at the end of the prophethood and in Sūra al-Mā'ida. Commentators have paid less attention to this issue, and have rarely asked why. In the present study, the scattered comments of some commentators are examined and criticized. The hypothesis of this study is that the legislation of ablution was carried out through a non-Qur'anic revelation at the beginning of the Prophet's mission in Mecca; But since some Muslims during the period of Medina did not pay attention to the invalidities of ablution or to performing ablution or performing it correctly, especially for the morning prayer, and sometimes they attended the prayer of the Prophet without ablution or with an incomplete ablution, and also, in order to emphasizing the necessity of paying attention to ablution and two other purifications (al-Ghusl and al-Tayammum), the verse of ablution was placed in the last years of the Prophetic period, and in a chapter before the last chapter of the Qur'an.

Key words: Ablution, Abrogation, Delay of Shari'a, Wisdom of Shari'a Rules.

Original Research


Received: 21/ 1/ 2023, accepted: 16/ 3/ 2023, and published: 16/ 3/ 2023, Pages: 159-176.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20.1001.1.52942783.1401.3.2.4.9

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



ارزیابی دیدگاه مفسران در باب علل تأخیر نزول آیه وضو

سید محمود طیب حسینی

استاد گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران
(نویسنده مسئول: tayyebhoseini@irhu.ac.ir).

علی بدری

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

یکی از احکام عبادی مهم که با نماز پیوندی ناگسستنی دارد حکم وضوء است. آیه مشتمل بر کیفیت انجام وضوء که آیه وضو نامیده می‌شود در سوره مائده (آیه ۶) جای دارد؛ سوره‌ای که در اواخر عمر پیامبر (ص) در مدینه نازل شده است. می‌دانیم نماز در مکه تشریح شده بود. نیز، بنابر شواهدی پیامبر (ص) از آغازین روزهای بعثت همواره با وضو نماز می‌خواند. براین پایه، جا دارد پرسیده شود که چرا حکم وضو برای نماز و کیفیت انجام آن با تأخیر در اواخر عهد رسالت و در سوره مائده نازل شده است. مفسران کم‌تر به این مسئله توجه نشان داده، و به ندرت از چرایی آن پرسش کرده‌اند. در مطالعه حاضر اظهارنظرهای پراکنده برخی مفسران در این باره بررسی و نقد می‌شود. فرضیه این مطالعه آن است که تشریح وضو از طریق وحی غیرقرآنی، و در آغاز بعثت در مکه انجام گرفته؛ اما از آن‌جاکه برخی از مسلمانان در دوره مدینه نسبت به مبطلات وضو بی‌اعتنا یا نسبت به وضو گزاردن یا صحیح گزاردن آن به‌ویژه برای نماز صبح سستی می‌ورزیده‌اند و گاه بدون وضو یا با وضوی ناقص در نماز پیامبر (ص) حاضر می‌شده‌اند، و هم‌چنین، به منظور تأکید بر ضرورت اهتمام نسبت به وضو و دو طهارت دیگر (غسل و تیمم)، آیه وضو در واپسین سال‌های دوره رسالت نازل، و در یک سوره قبل از آخرین سوره قرآن جای داده شد.

کلید واژه‌ها: وضو، نسخ، تأخیر تشریح، حکمت احکام شرعی.

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ ش، پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ ش، نشر: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ ش، صفحه ۱۵۹ تا ۱۷۶.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20.1001.1.52942783.1401.3.2.4.9

درآمد

یکی از آیات الاحکام که به تشریح یکی از مسائل اساسی نماز پرداخته، آیه ۶ سوره مائده است که در آن حکم وضو، غسل و تیمم بیان شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ
عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا
صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ
وَلَكِنْ يَرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

ترجمه: ای مؤمنان! چون برای نماز برخاستید چهره و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و بخشی از سرتان را مسح کنید و نیز پاهای خود را تا برآمدگی روی پا؛ و اگر جنب بودید غسل کنید و اگر بیمار یا در سفر بودید یا از جای قضای حاجت آمدید یا با زنان آمیزش کردید و آبی نیافتید به خاکی پاک تیمم کنید؛ با آن بخشی از چهره و دست‌های خود را مسح نمایید. خداوند نمی‌خواهد شما را در تنگنا افکند؛ ولی می‌خواهد شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند؛ باشد که سپاس گزارید.

این آیه که مشتمل بر احکام مختلفی از نماز — هم‌چون وضو، غسل جنابت، و تیمم بدل از غسل و وضو — است یگانه آیه‌ای است که در آن حکم وضو و تیمم تشریح شده، و از جهات گوناگون هم‌چون کیفیت وضو و تیمم یا حدود شست‌وشو و مسح صورت و دست و سر و پا در وضو قابل بحث است. یکی از محورهای بحث اختلاف‌انگیز در این آیه از صدر اسلام تاکنون میان فقهاء شیعه و اهل سنت مسئله کیفیت وضو است؛ یعنی نحوه شستن دست‌ها تا آرنج، کیفیت و مقدار مسح سر، و کیفیت مسح یا شستن پاها در هنگام وضو (برای نمونه از این بحث‌ها، بنگرید به: طبرسی، *مجمع البیان*، ۳/ ۲۵۳-۲۵۹؛ قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۶/ ۱۰۳-۱۰۸).

طرح مسئله

می‌دانیم نماز نخستین عبادت اسلامی است که از آغازین روزهای بعثت پیامبر (ص) تشریح شد. به گواهی آیات نخست سوره علق و مؤمل، پیامبر (ص) از همان آغاز دعوت نماز می‌خواند. به گواهی پاره‌ای از روایات، از همان آغازین روزهای رسالت نیز جبرئیل کیفیت

وضو گرفتن و نمازخواندن را به پیامبر (ص) تعلیم داد و او را سفارش به انجام نماز نمود (برای این روایت‌ها، بنگرید به: مجلسی، *بحار الانوار*، ۱۸ / ۱۸۴). بنابراین سابقه تشریح وضو به زمان تشریح اصل نماز بازمی‌گردد.

از دیدگرسو، مطابق روایات ترتیب نزول، سوره مائده از آخرین سوره‌های نازل شده بر پیامبر (ص) در دوره مدینه است (بنگرید به: سیوطی، *الدر المنثور*، ۲ / ۲۵۲؛ فیض کاشانی، *الصفافی*، ۲ / ۱۳). معنای این سخن آن است که وضو — که قاعدتاً باید نخستین دستور *قرآن* کریم به پیامبر (ص) و مسلمانان برای اداء نماز باشد — در آخرین سوره *قرآن* یا یک سوره قبل از آخرین (هرگاه مطابق برخی روایات ترتیب نزول، سوره توبه آخرین سوره فرض کنیم) به آن دستور داده شده است.

پرسش این است که «چرا دستور به گزاردن وضو برای نماز در کنار دستور به غسل و تیمم — که احتمالاً در دوره مدینه و سال‌های متأخرتر از زمان بعثت تشریح شده‌اند — قرار گرفته، و در واپسین سال‌های رسالت پیامبر (ص) به آن دستور داده شده است؟». این مسئله از نگاه مفسران دور نمانده است. شماری از مفسران درصدد پاسخ به آن برآمده، و احتمالاتی را در حکمت تأخیر نزول آیه وضو بیان داشته‌اند.

مطالعه کنونی درصدد کشف حکمت تأخیر در نزول آیه وضو و تشریح آن در آخرین سال‌های رسالت پیامبر (ص) و ارزیابی پاسخ‌های مفسران در این باره است. پرسش اصلی این مطالعه آن است که از نگاه مفسران *قرآن* کریم، از چه رو نزول آیه وضو در آخرین سال‌های حیات پیامبر (ص) رخ داده، و تشریح وضو در آخرین سوره‌های *قرآن* قرار گرفته است. به عبارت دیگر، از نگاه مفسران علت یا علل تأخیر نزول آیه ۶ سوره مائده از تشریح وضو و حکم آن چیست.

۱. مباحث مقدماتی

آیه وضو یکی از مهم‌ترین آیات احکام در *قرآن* است. ابن عربی این آیه را اعظم آیات *قرآن* معرفی می‌کند؛ زیرا بیش‌ترین احکام را در حوزه عبادات دربر دارد. شمار احکام شرعی مستخرج از این آیه به ۵۲ مورد (ابن عربی، *احکام القرآن*، ۲ / ۵۵۷)، و به نظر قرطبی به ۳۲ مورد می‌رسد (قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۶ / ۸۰). ابن عربی حتی از ادعای مبالغه‌آمیز برخی فقهاء خبر داده است که این آیه را مشتمل بر ۱۰۰۰ مسئله فقهی دانسته‌اند. وی حتی خبر می‌دهد که فقیهان مالکی هم‌مذهب وی توانسته‌اند بیش از ۸۰۰ مسئله از این آیه

استخراج کنند (ابن عربی، همانجا).

۱-۱) مفاد آیه وضو

آیه وضو از مؤمنان می خواهد هرگاه که برای نماز برخاستند، نخست صورت و دستان خود را تا آرنج بشویند و بخشی از سر و دو پای خود را تا دو برآمدگی پا مسح کنند. در تفسیر عبارت « إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ » اختلاف است. برخی مقصود از آن را برخاستن از خواب دانسته اند. بنابراین هرگاه فردی از خواب برخاست باید برای نماز وضو بگیرد. برخی دیگر مقصود از آن را برخاستن برای نماز دانسته، و بر همین اساس معتقد شده اند که برای هر نماز باید وضو گرفت؛ خواه شخص از قبل وضو داشته باشد یا وضوی او باطل شده باشد. برخی دیگر نیز بر آنند که در آغاز بر مؤمنان واجب بود که برای هر نمازی وضوی مستقلی بسازند؛ اما با نزول آیه وضو حکم یادشده نسخ شد و از آن پس تنها در صورتی واجب است برای هر نمازی وضوی مستقلی بسازند که وضوی شان باطل شده باشد.

نقل شده است که پیامبر (ص) برای هر نمازی وضو می ساخت؛ تا آن که در سال فتح مکه که یک وضو هم نمازهای پنج گانه را به جا آورد. عمر بن خطاب از پیامبر (ص) جويا شد چرا کاری می کند که پیش تر نکرده است. پیامبر (ص) نیز فرمود که عمداً با یک وضو همه نمازها را به جای آورده است (طوسی، التبیان، ۳/ ۴۴۹؛ ابن کثیر، التفسیر، ۳/ ۳۹).

برخی نیز بر آن شده اند که وضو گرفتن برای هر نماز، برای فرد مُحَدِّث — یعنی کسی که حَدَّثی از او سر زده یا از خواب برخاسته — واجب، و برای کسی که وضو دارد مستحب است؛ چنان که علی (ع) با استناد به همین آیه برای هر نماز وضو می گرفت، با این که با وضو بود. از منظر این فقیهان عمل علی (ع) حمل بر استحباب شده است (برای نمونه از بحثها درباره دلالت این روایت، بنگرید به: طبرسی، مجمع البیان، ۳/ ۲۵۳-۲۵۹؛ ابن کثیر، التفسیر، ۳/ ۳۲-۴۳).

در ادامه آیه حکم طهارت در هنگام جنابت و نیز حکم و شیوه تیمم بدّل از وضو و غسل نیز بیان شده است. بر پایه این بخش از آیه، اگر مؤمنان به جنابت مبتلا شدند باید غسل کنند؛ اما اگر بیمار یا در سفر باشند و آب نیابند یا قضای حاجت کنند یا با زنان بیامیزند و آب برای وضو و غسل در اختیار نداشته باشند باید تیمم کنند. شیوه تیمم نیز آن است که دو دست خود را بر زمین پاک بزنند و صورت و دو دست خود را با آن مسح کنند.

مفسران اتفاق نظر دارند که آیه وضو مدنی است (بنگرید به: ابن عربی، احکام القرآن، ۱۲

۵۵۸). درباره سبب نزول آن نیز روایات مختلفی نقل شده است (بنگرید به: بخش‌های بعدی مقاله). با این حال برخی مفسران معاصر مثل ابن‌عاشور مکی بودن آن را محتمل دانسته‌اند (ابن‌عاشور، *التحریر و التنبیر*، ۱۲۶/۶).

۲-۱) معنای وضو

وضوء در لغت به معنای آبی است که با آن وضوء می‌گیرند یا دست خود را با آن می‌شویند (خلیل بن احمد، *العین*، ۷/۷۶). وضوء نیز به معنای شستن است (ابن‌درید، *جمهرة اللغة*، ۲/۲۴۲). به هر نوع شستن و مسحی نیز که به عضوی از بدن ارتباط دارد وضوء گفته می‌شود (فیومی، *المصباح المنیر*، ۶۳۳). گاه وضو بر استنجاء و شستن دست (طریحی، *مجمع البحرین*، ۱/۴۴۰) یا حتی بر شستن دیگر اعضاء بدن (ابن‌اثیر، *النهایه*، ۵/۱۹۵) نیز اطلاق می‌شود. اصل این کلمه از مصدر *وَضَاءٌ* به معنای حسن و نیکویی است؛ گویی کسی که صورتش را می‌شوید آن را زیبا کرده است (ابن‌فارس، *مقاییس اللغة*، ۶/۱۱۸). ظاهراً از این ریشه ثلاثی فعلی در زبان عربی کاربرد نیافته است. با این حال، به قیاس با *وَلُوعٌ* و *قَبُولٌ* گفته‌اند وضوء مصدری سماعی برای باب تفاعل نیز می‌تواند باشد؛ چنان‌که می‌توان گفت «تَوَضَّأْتُ لِلصَّلَاةِ وَضُوءً» (ابن‌منظور، *لسان‌العرب*، ۱/۱۹۴).

۳-۱) زمان تشریح وضو

مطابق روایات متعددی از فریقین، پیامبر (ص) در دوره مکه و از همان سال‌های آغازین بعثت که نماز می‌خواند، وضو هم می‌گرفت. بنابراین تشریح وضو همزمان با تشریح نماز یا وجوب نماز برای مردم بوده است. روایاتی در این باره قابل توجه است. مثلاً روایتی از علی بن ابراهیم قمی - عالم شیعی سده ۳-۴ق (درگذشته ۳۲۹ق) - حکایت از نزول جبرئیل بر پیامبر (ص) قبل از مبعوث شدن به رسالت دارد:

جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و آبی از آسمان آورد. از پیامبر (ص) خواست که برخاسته برای نماز وضو بگیرد. سپس خود وضو را به او آموخت... (اربلی، *کشف الغمه*، ۱/۸۸).

از دیگر محدثان کهن شیعی، احمد برقی هم از امام صادق (ع) روایت کرده است: نخستین نمازی که پیامبر (ص) گزارد در آسمان، در پیشگاه خدا و در مقابل عرش الهی بود. خدا به او وحی کرد که به چشمه صاد نزدیک شود، وضو بگیرد، وضوی

کامل بگیرد، مواضع سجده‌هایش را پاک کند و برای پروردگارش نماز بگذارد (برقی، المحاسن، ۲/۳۲۳).

ابن هشام نیز در باب «ابتداء فرض الصلاة» در کتاب سیره خود چنین آورده است: هنگامی که نماز واجب شد، جبرئیل نماز را بر پیامبر (ص) فرود آورد؛ درحالی که پیامبر (ص) در بلندی‌های مکه بود. پیامبر (ص) پاشنه پا را به زمین زد و چشمه‌ای جاری شد. جبرئیل وضو گرفت و پیامبر (ص) به او می‌نگریست. این کار برای آن بود که جبرئیل طهارت نماز را به پیامبر (ص) بیاموزاند. سپس پیامبر (ص) همان گونه که از جبرئیل مشاهده کرده بود وضو گرفت... (ابن هشام، السیره النبویه، ۱/۲۴۴).

ابن هشام هم چنین از قول استادش ابن اسحاق مشابه همین را روایت کرده، و وقوع آن را مقارن با شب معراج و تشریح نماز در ضمن معراج بر پیامبر (ص) بازنموده است (همان‌جا). مطابق این روایات، از همان آستانه بعثت پیامبر (ص) که به پیامبر (ص) نماز تعلیم داده شده او وضو گرفتن را هم به وحی الهی فراگرفت و همواره نمازهای خود را با وضو به جا می‌آورد. پس باید گفت که برپایه روایات شیعیان و عامه مسلمانان، از همان زمان که نماز واجب شد، وضو نیز تشریح گردید.

۲. آراء معتقدان به تشریح وضو با قرآن

شماری از عالمان مسلمان معتقد اند که تشریح وضو اساساً با نزول وحی آغاز شده است. اکنون بنا داریم آراء ایشان را مرور و تحلیل کنیم.

۱-۳) نزول آیه در آغاز بعثت

پیامبر (ص) از آغازین روزهای بعثت خود در مکه نماز به جای می‌آورده‌اند. هیچ نماز بی‌وضویی هم از پیامبر (ص) گزارش نشده، و به‌عکس در روایاتی از ایشان بر این تأکید رفته که برای نماز طهارت لازم است. براین اساس، برخی هم چون ابن‌عاشور احتمال داده‌اند که آیه وضو در آغاز بعثت نازل گردید؛ اما در هیچ سوره‌ای قرار داده نشد، تا این که در اواخر دوره رسالت به دستور خدا در سوره مائده چا گرفت (ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۶/۱۲۶).

این دیدگاه مستلزم آن است که آیه‌ای از قرآن در آغاز بعثت نازل، اما تا مدت‌ها رها گردد؛ آن‌سان که در اواخر بعثت جایگاه آن در آخرین سوره تعیین شود. این امری دور از ذهن به نظر می‌رسد و دلیلی نیز بر آن نیست. هیچ‌یک از مفسران و مورخان کهن هم به وقوع چنین امری

اشاره نکرده، و از این رو چنین فرضیه‌ای صرفاً یک حدس بی‌پشتوانه است. چنین به نظر می‌رسد که آیات هر سوره به دنبال هم نازل می‌شده‌اند و هر سوره که کامل می‌شده، نزول سوره بعد آغاز می‌گردیده است. بر این اساس استثناء دانستن آیه وضو نیازمند دلیل خاص است؛ خواه این دلیل روایتی صحیح یا دلیل و قرینه روشنی از متن سوره یا هر چه از این قبیل باشد. برای نمونه، درباره آیه ۲۰ سوره مؤمل دلیل روشن از متن همین آیه وجود دارد که نشان می‌دهد با فاصله از دیگر آیات سوره نازل شده است (بنگرید به: معرفت، التمهید، ۱/ ۲۴۰-۲۴۱).

از دیدگرسو سیاق آیه، طول آن، و هم چنین تشریح حکم فقهی در آن همگی از نشانه‌های آیات مدنی است. به بیان دیگر، آیه از این لحاظ‌ها هیچ شباهتی به آیات مکی قرآن در آغاز دوره رسالت ندارد. افزون بر این‌ها همه، پذیرش احتمال یادشده مستلزم آن است که تیمم و غسل نیز در آغاز دوره رسالت و در مکه تشریح شده باشد؛ امری که با آگاهی‌های ما درباره این احکام در تعارض است.

۲-۳) نسخ وجوب وضو برای هر نماز

برخی مفسران هم گفته‌اند که در آغاز اسلام واجب بود که برای هر یک از نمازهای پنج‌گانه روزانه وضوی مستقل بگیرند؛ سپس به دلیل دشواری این حکم بر برخی صحابه با نزول آیه ۶ مائده وجوب آن نسخ شد. از آن پس می‌توان با یک وضو همه نمازهای روزانه را به جای آورد؛ گرچه استحباب وضو برای نماز هم‌چنان باقی است. مؤید این قول روایتی از عبدالله بن عمر است. وی از عبدالله بن حنظله نقل می‌کند که پیامبر (ص) به او دستور تجدید وضو برای هر نمازی داد و این امر برای او دشوار بود. از این رو پیامبر (ص) به وی امر کرد که پیش از هر نمازی مسواک بکند و تنها اگر حدثی از او سر زد وضو بگیرد (جصاص، احکام القرآن، ۳/ ۳۳۰).

از بریده بن حُصیب اسلمی از دیگر صحابه پیامبر (ص) نیز نقل شده است که پیامبر (ص) برای هر نمازی وضو می‌گرفت؛ اما سال فتح مکه همه نمازها را با یک وضو خواند. عمر بن خطاب از وی پرسید چرا کاری می‌کند که پیش‌تر نمی‌کرد. پیامبر (ص) نیز پاسخ داد که عمداً چنین کرده است (طبری، جامع البیان، ۶/ ۷۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۳/ ۲۵۳).

پذیرش این قول مستلزم پذیرش وقوع نسخ در حکم اولی وضوء است. یکی از اقسام نسخ آن است که حکمی به وسیله پیامبر (ص) واجب شده باشد و سپس با آیه قرآن نسخ شود؛ مانند

دستور نماز به سمت بیت المقدس در ماه‌های آغازین هجرت پیامبر (ص) به مدینه، و سپس نسخ این حکم به وسیله قرآن و تغییر قبله از بیت المقدس به سمت کعبه (بنگرید به: سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۶۴۹). گفته‌اند یکی دیگر از اقسام نسخ آن است که حکمی در ابتدا واجب باشد، سپس آن حکم واجب نسخ گردد و حکم به استحباب تغییر یابد (همان‌جا، ۱/ ۶۵۱). عمل مستحب علی (ع) را که با استناد به همین آیه باین‌که وضو داشتند برای هر نماز وضو می‌گرفتند مصداقی از پذیرش وقوع چنین نسخی دانسته‌اند (بنگرید به: طبرسی، *مجمع البیان*، ۱۳/ ۲۵۹-۲۵۳؛ ابن‌کثیر، *التفسیر*، ۳/ ۳۹).

چنانچه حکم وجوب وضو به دستور پیامبر (ص) برای هر نمازی ثابت باشد می‌توان این حکم را مصداقی از این‌گونه نسخ دانست؛ با این توضیح که در آغاز وضو برای هر نمازی واجب بوده، و سپس با نسخ این حکم، وضو گرفتن برای هر نماز با این شرط که نمازگزار وضوی نماز قبل را حفظ کرده باشد مستحب خواهد بود. از آن‌سو، اگر بپذیریم که از آغاز وضو گرفتن برای هر نمازی واجب نبوده است دیگر نسخ معنا ندارد. از روایت عبدالله بن حنظله همین معنا برمی‌آید که وضو گرفتن برای هر نماز گرچه مؤکد بوده، وجوب نداشته است. به همین سبب نیز پیامبر (ص) به عبدالله بن حنظله اجازه داده‌اند که به جای وضو گرفتن فقط مسواک بزند.

در هر صورت، خواه بپذیریم که وضو برای هر نماز در آغاز تشریح نماز واجب شده بود و سپس حکم وجوب وضو برای افرادی که وضو دارند نسخ شد یا نپذیریم، آیه ۶ سوره مائده و نزول آن ظاهراً ارتباطی با این نسخ ندارد؛ زیرا در آن هیچ تصریحی به وجوب یا استحباب وضو و نسخ حکم وجوب نشده است. کسانی هم که به نسخ حکم وجوب وضو برای هر نماز گرایش یافته‌اند نزول آیه وضو را ناظر به نسخ حکم یاد شده دانسته‌اند.

۳-۳) تشریح تیمم غرض اصلی آیه

از دیگر دیدگاه‌های قابل توجه درباره آیه دیدگاه وهبه زحیلی مفسر معاصر است. وی معتقد است آیه وضو در غزوه بنی‌المصطلق نازل شده، و غرض اصلی از نزول آن نیز تشریح تیمم بوده است. وی معتقد است که به مناسبت و در کنار حکم تیمم حکم و کیفیت وضو و غسل نیز بیان شده است. به نظر وی وضو در مکه و قبل از هجرت واجب شده بود و بیان حکم و کیفیت وضو در این آیه گویا برای مومنان فایده‌ای جز افزودن ثواب تلاوت آن نداشته است (زحیلی،

التفسیر الوسیط، ۱/ (۴۳۵).

مستند زحیلی روایتی از عائشه است که می‌گوید در ایامی که برای غزوه بنی المصطلق هم‌راه با پیامبر (ص) رفته بود، گردن‌بند خود را در بیداء (منطقه‌ای نزدیک مدینه) گم کرد. پیامبر (ص) از مرکب خود پیاده شده سر بر دامن وی نهاد و خوابید. ابوبکر آمد و ضربه‌ای شدید به سینه عائشه زد و او را برای این‌که مردم را به سبب یک گردن‌بند معطل کرده است ملامت نمود؛ تا این‌که صبح شد و پیامبر (ص) بیدار شدند و چون آبی برای وضوی نماز صبح نیافتند این آیه نازل شد و حکم تیمم را تشریح کرد (بخاری، *الصحیح*، ۷/ ۱۹۱-۱۹۲).

در روایت دیگری به نقل از عائشه هم داستان مشابهی درباره نزول آیه در انتساب به همسر دیگر پیامبر (ص) اسماء بنت نُعمان گزارش شده است (همان، ۷/ ۱۷۹). دروزه هر دو روایت فوق را حاکی از یک روی‌داد می‌داند (دروزه، *التفسیر الحدیث*، ۹/ ۵۸). در برخی از روایات همین حکایت از قول عائشه نقل شده، و البته از نزول آیه وضو در هنگام خروج پیامبر (ص) از مدینه سخن رفته است (مالک بن انس، *الموطأ*، ۱/ ۵۴-۵۳). برخی مفسران برپایه این روایت‌ها غرض اصلی نزول آیه وضو را بیان حکم تیمم در زمانی که وضو و غسل میسر نباشد دانسته‌اند.

در مقام نقد این دیدگاه نیز باید گفت که اولاً، در این روایت آمده است که آیه تیمم نازل شد. آیه ۴۳ سوره نساء به آیه تیمم مشهور است و این ربطی به آیه ۶ سوره مائده که به آیه وضو مشهور است ندارد. بنابراین گویا مراد عائشه آیه ۴۳ سوره نساء بوده است نه آیه ۶ سوره مائده (بنگرید به: قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۱۵/ ۲۳۳). براین‌پایه، برخی مفسران به خطا روایت وی را به آیه ۶ سوره مائده پیوند داده‌اند.

ثانیاً، حکم تیمم پیش از نزول آیه ۶ سوره مائده، در آیه ۴۳ سوره نساء نازل شده بود. پس دلیلی برای حکم به نزول مجدد آن وجود ندارد. احتمالاً روایاتی که مفسران ذیل آیه ۶ سوره مائده نقل کرده‌اند مربوط به آیه تیمم در سوره نساء باشد (بنگرید به: دروزه، *التفسیر الحدیث*، ۹/ ۵۸)؛ چنان‌که مثلاً واحدی نیشابوری روایت عائشه را هم‌چون سبب نزول آیه ۴۳ سوره نساء نقل کرده است (واحدی، *اسباب النزول*، ۱۵۸).

سیوطی معتقد است گاه پیامبر (ص) آیه‌ای را تلاوت می‌کرد و راوی به خطا می‌پنداشت که آیه به تازگی نازل شده است و درباره آن تعبیر «نَزَلَ» به کار می‌برد (سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۱۳۴). براین‌پایه، این احتمال نیز هست که پیامبر (ص) در آن روی‌داد آیه وضو یا تیمم را برای اصحاب

و هم‌راهیان تلاوت کرد و تکلیف آنان را در آن شرایط نبود آب برای وضو یادآور شد؛ هرچند برخی هم‌چون عائشه که احتمالاً پیش از این آیه را نشنیده بودند به خطا تصور کردند که در آن‌جا نازل شده است.

به‌هرروی، پذیرش واقعه یادشده در روایت عائشه هم‌چون سبب نزول آیه وضو دشوار است: دو آیه هست که در آن‌ها از تیمم یاد می‌شود؛ یکی در سوره نساء و دیگری در سوره مانده؛ و معلوم نیست که عائشه در روایت یادشده به کدام نظر داشته که در بیابان نازل شده است. به‌علاوه، سخن وی نشان می‌دهد که تا آن زمان تیمم برای وی معلوم نبوده، و تاکنون تیمم انجام نداده بوده است (بنگرید به: قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۱۵/۲۳۳).

۳. آراء معتقدان به تشریح وضو با سنت نبوی

با نظر به روایات یادشده و امثال آن‌ها درباره تشریح وضو از اوائل رسالت پیامبر (ص) از یک‌سو، و با نظر به قرار داشتن آیه وضو در میان آیات نازل‌شده در آخرین سال‌های عمر پیامبر (ص) از دیگرسو، اکثر قریب به اتفاق مفسران بر آن اند که آیه وضو در مقام اصل تشریح وضو نیست. براین‌پایه جا دارد پرسید که چرا باید آیه وضو در اواخر عمر پیامبر (ص) نازل شود. مفسران در این‌باره آراء مختلفی ابراز داشته‌اند. برخی چنین استنباط کرده‌اند که وضو نخست با سنت نبوی تشریح شده، و آیه حاکی از وجوب آن بعدها نازل گردیده است. این عالمان در توضیح سبب چنین رویدادی وجوه مختلف برشمرده‌اند.

۱-۲) تأکید بر اهمیت وضو یا اعلام عدم‌وجوب آن برای کارهای روزمره

یکی از دیدگاه‌هایی که درباره سبب تأخیر نزول آیه وضو از سوی مفسران بیان شده، تأکید آیه بر اهمیت وضوء است. از منظر صاحبان این دیدگاه، بسیاری از احکام مهمی که در طول دوره رسالت تشریح شده بود در عهد رسالت و نزول *قرآن* دوباره در دوسوره مانده و توبه یادآوری شدند تا مسلمانان درباره آن‌ها به اختلاف نیفتند. از جمله این احکام می‌توان به موارد زیر در آیات سوره مانده اشاره کرد:

وفا به عقود (آیه ۱)، برخی احکام حج (آیه ۲)، حرمت گوشت خوک و مردار (آیه ۳)، غذاهای حلال و حرام (آیه ۳-۵)، حرمت قتل نفس (آیه ۳۲)، حکم محارب و مفسد فی الارض (آیه ۳۳)، تأکید بر جهاد (آیه ۳۵)، مجازات سرقت (آیه ۳۸)، حکم به عدل و قسط بین مردم (آیه ۴۲)، قصاص عضو (آیه ۴۵)، ارتداد (آیه ۵۴)،

تولّی (آیه ۵۵-۵۶)، نهی از غلو در دین (آیه ۷۷)، کفاره یمین (آیه ۸۹)، حرمت خمر و قمار (آیه ۹۰)، ابطال خرافات جاهلی (آیه ۱۰۳)، و برخی از احکام وصیت (آیه ۱۰۶).

از همین قبیل است آیات مختلف سوره توبه که در آن‌ها از احکام مختلف سخن می‌رود: حکم جهاد با مشرکان و اعلام برائت از آن‌ها (آیه ۱-۱۶)، حکم جزیه (آیه ۲۹)، ابطال برخی از خرافات جاهلیت (آیه ۳۷)، حکم فرار از جهاد (آیه ۳۸-۳۹)، حکم تقسیم زکات (آیه ۶۰)، تأکید بر ضرورت امر به معروف و نهی از منکر (آیه ۷۱)، جهاد با منافقان (آیه ۷۳)، توبیخ متخلفان از جهاد (آیه ۸۱-۸۲)، پذیرش عذر برخی از مردم از ترک جهاد (آیه ۹۱)، ضرورت توبه (آیه ۱۱۷)، و وجوب تفرقه در دین (آیه ۱۲۲).

براین پایه، احکام وضو، تیمم و غسل در ششمین آیه از سوره مائده را هم باید از جمله همین احکام دانست و در ضمن آن‌ها قرار دارد: بسیاری از احکام یادشده در طول دوران تبلیغ پیامبر (ص) به مردم ابلاغ شده بود؛ اما در اواخر نزول قرآن بنا ست با نزول وحی آن‌ها دوباره یادآوری شوند. از این منظر، درباره آیه وضو هم باید گفت که برای تأکید بر وضو و بیان کیفیت آن نازل شده است تا به همگان یادآوری کند که وضو امر مهمی است.

از گرایندگان به چنین دیدگاهی ابن‌عاشور است. وی می‌گوید:

آنچه ظهور بیش‌تری دارد این است که از این آیه تأکید تشریح وضو اراده شده است. اما تیمم در این آیه برای نخستین بار تشریح شده است تا جایگزین وضو باشد؛ چنان‌که خود آیه نیز به آن تصریح دارد. درباره وضو باید گفت که تا زمان نزول این آیه آیه‌ای درباره‌اش نازل نشده بود؛ اما به‌وسیله سنت پیامبر (ص) واجب شده بود. بی‌شک وضو قبل از نزول این آیه واجب بود؛ چرا که پیامبر (ص) هیچ نمازی را بدون وضو نخواند (ابن‌عاشور، *التحریر والتنویر*، ۱۲۶/۶).

به‌طبع چنین تحلیلی تنها بیان یک احتمال و حدس فاقد مبنا و دلیل است.

این‌که بر اهمیت وضو در سال‌های پایانی رسالت پیامبر (ص) تأکید شده باشد احتمالی پذیرفتنی است و می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت وضو برای اقامه نماز باشد؛ اما پذیرش این‌که صرفاً همین تأکید سبب شده باشد که آیه وضو با تأخیر نازل شود دشوار است. باید در جستجوی عوامل و زمینه‌هایی بود که بستر ضرورت این تأکید و اهمیت وضو برای نماز را توجیه کنند؛ چرا که اگر نزول این آیه صرفاً جهت تأکید اهمیت وضو می‌بود و مشکل دیگر در میان نمی‌بود نیازی

نمود که آیه به بیان نحوه وضو پردازد و کافی بود که به توصیه بر وضو اکتفاء نماید. از آن سو، برخی دیگر نیز بر این باور اند که آیه وضو برای این با تأخیر نازل شد که اعلام کند وضو فقط برای ادای نماز واجب است و برای دیگر کارهای روزانه واجب نیست. نقل کرده‌اند پیامبر (ص) همه کارهای روزانه خود را با وضو پی می‌گرفت و هیچ‌گاه بی‌وضو به عملی مبادرت نمی‌نمود. حتی گفته‌اند وی بدون وضو جواب سلام کسی را نمی‌داد و با کسی سخن نمی‌گفت؛ تا این که آیه وضو نازل شد و وضو را تنها در هنگام اراده نماز واجب شناساند (ابوحیان، البحر المحیط، ۱۸۷/۴).

ابن کثیر (ابن کثیر، التفسیر، ۴۱/۳) این روایت را غریب و یکی از راویان آن را ضعیف شمرده است. به علاوه، خطاب آیه عام و متوجه همه مسلمانان است؛ در حالی که اهتمام به انجام همه اعمال با طهارت و وضو و عدم مبادرت به عملی بدون وضو — مطابق روایت یادشده — به پیامبر (ص) اختصاص داشته، و روایتی مبنی بر اهتمام دیگر اصحاب وی به وضو گرفتن برای همه کارها گزارش نشده است. اگر دیدگاه فوق صحیح بود، باید آیه وضو نیز خطاب به پیامبر (ص) نازل می‌شد.

۲-۲) رفع اختلاف درباره کیفیت وضو

برخی از عالمان مسلمان احتمال داده‌اند که آیه وضو به منظور حل اختلاف میان اصحاب پیامبر (ص) درباره کیفیت وضو نازل شد. از نظر اینان گویی اصحاب در همان زمان حیات پیامبر (ص) در کیفیت گزاردن وضو — خاصه در این که دستان خود را از آرنج تا نوک انگشتان شست و شو دهند یا به عکس آن عمل کنند — اختلاف نظر و عمل داشتند. از همین رو آیه نازل شد تا به اختلاف اصحاب در این باره پایان دهد (بنگرید به: شهرستانی، وضوء النبی، ۳۰/۱). اینان البته اذعان دارند که خبری درباره اختلاف مردم در عصر پیامبر (ص) درباره کیفیت وضو نرسیده است. وانگهی، استدلال می‌کنند که به صرف این که خبری نرسیده، نمی‌توان حکم کرد که اختلافی نبوده است. می‌دانیم برخی به علل مختلفی سعی در مخالفت با پیامبر (ص) داشته‌اند. برخی از موارد آن در تاریخ عصر پیامبر (ص) مشهود است؛ چنان که مثلاً در یکی از مهم‌ترین امور دین یعنی نوشتن وصیت پیامبر (ص)، عمر بن خطاب با ایشان مخالفت کرد (مسلم، الصحیح، ۱۲۵۹/۳). درباره وضو نیز می‌توان محتمل دانست که کسانی وضوی خود را برخلاف وضوی پیامبر (ص) می‌گرفتند و مردم هم باخبر بودند؛ اما می‌دانستند که

اختلاف آن‌ها از روی عناد است و برای مردم وضوی این افراد عادی شده بود. از همین رو هیچ‌گاه در این باره بحث، یا درباره‌اش مطلبی نقل نکرده‌اند.

ممکن است ادعا شود که این افراد در خفا و پنهانی وضویی بر خلاف وضوی پیامبر (ص) می‌گرفتند؛ اما هر گاه که نزد پیامبر (ص) و اصحاب حاضر می‌شدند، وضوی موافق شریعت را می‌گرفتند. این افراد همان منافقانی بودند که در دل‌های خود کینه پیامبر (ص) را داشته و در زبان برخلاف میل باطنی خود شروع به سخن می‌کردند (آل عمران/ ۱۶۷).

طبق برخی از نقل‌ها آیه وضو در جنگ بنی‌المصطلق نازل شد (شافعی، *اختلاف الحدیث*، ۸ / ۶۰۸). بر فرض صحت این دیدگاه، در همان جنگ سوره منافقون نیز نازل شده است (قمی، *التفسیر*، ۲ / ۳۶۸؛ واحدی، *اسباب النزول*، ۴۵۱). هر چند سوره منافقین در شأن عبدالله بن ابی نازل شده است (همان، ۴۵۲) شأن نزول موجب تخصیص آیه نمی‌شود. شهرستانی معتقد است که منافقان در صدد القاء اختلاف در احکام مخصوصاً درباره وضو بین مسلمانان بودند و این کار یکی از مصادیق «صد عن سبیل الله» است که در آیه ۲ از همین سوره یاد می‌شود (شهرستانی، *وضوء النبی*، ۱ / ۳۰، ۴۰، ۸۸).

این دیدگاه نیز تنها احتمالی فاقد مبنا و دلیل است که ریشه در اختلافات مذهبی دارد؛ چرا که اولاً، در عصر نزول هیچ‌گونه اختلافی در کیفیت وضو گزارش نشده است؛ ثانیاً، بر فرض پذیرش این دیدگاه، آیه نه تنها نتوانسته است مخالفت ادعائی برخی اصحاب با وضوی پیامبر (ص) را برطرف کند، بل که این آیه خود موجب اختلاف اصحاب در وضو را پدید آورده است؛ زیرا سبب شده است که مخالفان بتوانند رأی خود را به ظاهر آیه مستند کنند. به عبارت دیگر، اگر غرض از نزول آیه جلوگیری از مخالفت برخی از اصحاب با وضوی پیامبر (ص) می‌بود، باید بیان آیه به گونه‌ای بود که از مخالفت این گروه جلوگیری کند و راه را بر هر گونه مخالفت اصحاب در زمان پیامبر (ص) و بعد از آن ببندد.

۳-۲) بی‌اعتنائی برخی صحابه نسبت به وضوی صحیح و کامل

یکی دیگر از احتمالات مطرح شده درباره آیه این است که علی‌رغم تأکید پیامبر (ص) بر لزوم وضو گرفتن برای نماز در زمان‌ها و شرایط مختلف، برخی صحابه هم‌چنان نسبت به وضو اهتمام نشان نمی‌دادند و احياناً بدون وضوی کامل در نماز جماعت حاضر می‌شدند؛ خاصه در نمازهای صبح که وضو گرفتن برای آن در قیاس با دیگر نمازها از دشواری بیش‌تری برخوردار بود.

بنابر پاره‌ای گزارش‌های تاریخی، شماری از مسلمانان در صدر اسلام هنگامی که وضوی‌شان با یکی از مبطلات - خاصه با خوابیدن - باطل می‌شد، بدون این‌که دوباره وضو بگیرند، به نماز می‌ایستادند (مسلم، *الصحیح*، ۱/ ۲۸۴). این گونه افراد نسبت به اصل وضو بی‌اعتنا نبودند؛ بل که نسبت به مبطلات آن یا نسبت به دوباره وضو گرفتن بعد از خواب اعتنا نداشتند. پیش‌تر اشاره شد که بسیاری از مفسران «اذا قمتُم» در آیه وضو را برپایه روایاتی به برخاستن از خواب برای نماز تفسیر کرده‌اند (برای تنها چند نمونه، بنگرید به: عیاشی، *التفسیر*، ۱/ ۲۹۷؛ طبری، *جامع البیان*، ۱۶/ ۷۲). این تفسیر آشکارا اشاره به کسانی دارد که هنگام برخاستن از خواب بی‌آن‌که وضو بگیرند با تکیه بر وضوی قبل از خواب به نماز می‌ایستادند. دروزه نیز در این باره می‌نویسد:

آن‌چه به نظر می‌رسد این است که گروهی از مسلمانان در امر وضو و طهارت یا در نحوه انجام آن یا در ارکان آن سستی می‌کردند و نسبت به آن بی‌مبالا بودند و آن را واجب نمی‌شمردند. در نتیجه حکمت قرآن بر این قرار گرفت تا آیه را برای تأکید وضو و بیان نحوه انجام و ارکان آن نازل کند و سپس بر ضرورت انجام غسل در هنگام جنابت و نیز بر انجام تیمم به عنوان بدل از وضو یا غسل هم تأکید نماید. چنان‌چه ملاحظه می‌شود آیه بعدی هم که به یادکرد نعمت و میثاق الهی اشاره دارد با این آیه هماهنگ است. گویا آیه بعدی در راستای تثبیت امر پیشین به اهتمام نسبت به انجام وضو برای نماز است و می‌خواهد بیانگر این باشد که خداوند از آن‌ها پیمان گرفته است تا اوامر او را اطاعت کنند و هشدار می‌دهد که خدا علاوه بر اعمال ظاهری آن‌ها بر درون آن‌ها نیز آگاه است (دروزه، *التفسیر الحدیث*، ۹/ ۵۷-۵۸).

این دیدگاه در قیاس با دیگر دیدگاه‌ها صحیح‌تر به نظر می‌رسد. برخی شواهد تاریخی نیز آن را تأیید می‌کند. برابر گزارش‌هایی تاریخی، برخی صحابه بی‌آن‌که وضو بگیرند به نماز جماعت صبح می‌آمدند یا با وضویی ناقص در نماز می‌شدند. مثلاً برخی صحابه نقل کرده‌اند که:

پیامبر (ص) یک بار در نماز صبح پس از قرائت سوره حمد به قرائت سوره روم پرداخت و در قرائت برخی آیات این سوره رفت و برگشت کرد. هنگامی که از نماز فارغ شد فرمود گروهی که بی‌وضو و طهارت در نماز حاضر می‌شوند حواس ما را پرت می‌کنند. این‌ها باید درست وضو بگیرند (سیوطی، *الدر المنثور*، ۱۵/ ۱۵۰).

از این منظر، «اذا قمتُم» در آیه وضو نیز که بسیاری از مفسران به برخاستن از خواب برای نماز تفسیر کرده‌اند مؤید همین است که برخی اصحاب پیامبر (ص) بیش از هر نمازی نسبت به وضوی

نماز صبح سهل انگاری می‌کردند. احتمالاً دشواری دست‌رسی به آب یا دست‌رس نداشتن به آن یا حتی زمان‌بر بودن تهیه آب در صبحگاهان سبب این بی‌مبالاتی می‌شده است. از دیگر مؤیدات این فرضیه روایات فراوانی است که در آن‌ها به اسبغ در وضو یعنی گرفتن وضوی کامل سفارش، و پاداش بسیاری برای آن بیان شده است (برای نمونه، بنگرید به: برقی، *المحاسن*، ۱/۱؛ طوسی، *التهدیب*، ۱/۷۹، ۸۹؛ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ۱/۴۸۵-۴۹۰).

نتیجه

در مطالعه حاضر دیدگاه‌های مختلف درباره علل تأخیر نزول آیه وضو در سال‌های آخر دوره رسالت و قرارگرفتن آن در سوره مائده، قبل از آخرین سوره قرآن نقل و ارزیابی شد. از میان این دیدگاه‌ها، دیدگاه‌های نزول آیه وضو در آغاز بعثت، تکرار نزول آیه، رفع اختلاف درباره کیفیت وضو، نسخ و جوب وضو برای هر نماز، تشریح تیمم به مثابه غرض اصلی آیه وضو، و اعلام عدم وجوب وضو برای کارهای روزانه به جز نماز مورد نقد قرار گرفت.

هم‌چنین، با استناد به شواهدی تاریخی از دوره حیات پیامبر (ص) دو دیدگاه هم‌چون وجوه مقبول در حکمت و علت تأخیر در نزول آیه وضو ترجیح داده شد: این‌که علت تأخیر نزول به عدم اعتناء برخی نسبت به وضوی کامل — خاصه برای نماز صبح — نسبت داده شود یا این‌که سبب آن تأکید بر اهمیت وضو برای مهم‌ترین عبادت دینی — یعنی نماز — انگاشته شود.

برپایه دستاوردهای این مطالعه می‌توان گفت که در واقع آیه ۶ سوره مائده بر ضرورت و اهمیت طهارت برای مهم‌ترین عبادت اسلامی تأکید می‌کند؛ طهارتی اعم از وضو و غسل جنابت یا در صورت نبود آب و امکان تحصیل وضو و غسل، تیمم بدل از آن دو. نزول این آیه نیز در واپسین سال‌های دوره رسالت پیامبر (ص) نشانه تأکیدی مضاعف بر طهارت، و ضرورت اهتمام مؤمنان نسبت به انجام دقیق و صحیح این آیین‌ها — خاصه وضوء — است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، به کوشش طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی، بیروت، المكتبة العلمية، ۱۳۹۹ق.
- ۳- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸م.
- ۴- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنویر*، تونس، الدار التونسیه، ۱۹۸۴م.
- ۵- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۹ق.
- ۶- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *التفسیر*، به کوشش محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ۸- ابن هشام، عبدالملک، *السيرة النبویه*، به کوشش مصطفی سقا و دیگران، قاهره، چاپ خانه حلبی، ۱۳۷۵ق.
- ۹- ابوحیان، محمد بن یوسف، *البحر المحيط*، به کوشش صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
- ۱۰- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه*، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- ۱۱- بخاری، محمد بن اسماعیل، *الصحيح*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- ۱۲- برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، به کوشش جلال الدین حسینی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- ۱۳- جصاص، احمد بن علی، *احکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، آل البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- ۱۵- خلیل بن احمد، *العین*، به کوشش مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۰م.
- ۱۶- دروزه، محمد عزت، *التفسیر الحديث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق.
- ۱۷- زحیلی، وهبه، *التفسیر الوسيط*، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۲ق.
- ۱۸- سیوطی، عبد الرحمان بن ابی بکر، *الاتقان*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
- ۱۹- سیوطی، عبد الرحمان بن ابی بکر، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ق.

- ۲۰- شافعی، محمد بن ادریس، *اختلاف الحديث*، ضمن کتاب *الام*، به کوشش عامر احمد حیدر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۰ق.
- ۲۱- شهرستانی، علی، *وضوء النبی*، مشهد، موسسه جوادالائمه، ۱۴۱۶ق.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۲۳- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۱ق.
- ۲۴- طریحی، فخرالدین بن محمد علی، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- ۲۵- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، نجف، دار احیاء التراث، ۱۳۸۳ق.
- ۲۶- طوسی، محمد بن حسن، *التهدیب*، به کوشش حسن موسوی خراسان، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۲۷- فیض کاشانی، محسن بن محمد مرتضی، *التفسیر الصافی*، تهران، صدر، ۱۴۱۵ق.
- ۲۸- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، به کوشش احمد عبدالعلیم بردونی، قاهره، دارالشعب، ۱۳۷۲ق.
- ۲۹- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۳۰- مسلم بن حجاج، *الصحيح*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، چاپ‌خانه حلبی، ۱۳۷۴ق.

Bibliography

1. The Holy *Qur'ān*.
2. Abū Ḥayyān, Muḥammad b. Yūsuf, *Al-Baḥr al-Muḥīṭ*, ed. Ṣidqī Muḥammad Jamīl, Beirut, Dār al-Fikr, 1420 AH.
3. Al-Fayḍ al-Kāshānī, Muḥsin b. Muḥammad Murtaḍā, *Al-Tafsīr al-Ṣāfi*, Tehrān, Ṣadr, 1415 AH.
4. Al-Ḥurr al-ʿĀmilī, Muḥammad b. Ḥasan, *Wasā'il al-Shi'a*, Qom, Āl al-Bayt, 1409 AH.
5. Barqī, Aḥmad b. Muḥammad, *Al-Maḥāsin*, ed. Jalāl al-Dīn Muḥaddith, Tehran, Islāmīyya, 1371 AH.
6. Būkhārī, Mūḥammad b. Ismā'il, *Al-Ṣaḥīḥ*, Beirut, Dār al-Fikr, 1401 AH.
7. Darwaza, Muḥammad 'Izza, *Al-Tafsīr al-Ḥadīth*, Cairo, Dār 'Ihyā' al-Kutub al-ʿArabīyya, 1383 AH.
8. Ibn 'Ashūr, Muḥammad b. Tāhir, *Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*, Tunis, Al-Dār al-Tunisīyya, 1984.
9. Ibn Athīr, Mubārak b. Muḥammad, *Al-Nihāya*, ed. Ṭāhir Aḥmas Zāwī and Maḥmūd Muḥammad Ṭannāhī, Beirut, Al-Maktaba al-ʿIlmīyya, 1979.
10. Ibn Durayd, Muḥammad b. Ḥasan, *Jambara al-Lughā*, Beirut, Dār Al-ʿIlm lil Malāyīn, 1988.
11. Ibn Fāris, Aḥmad, *Mu'jam Maqāyīs al-Lughā*, ed. 'Abd al-Salām Muḥammad Hārūn, Beirut, Dār al-Fikr, 1979.
12. Ibn Hishām, 'Abd al-Malik, *Al-Sīrah al-Nabawīyya*, ed. Mustafā Saqqā et al, Cairo, Ḥalabī Publishing House, 1375 AH.
13. Ibn Kathīr, Ismā'il b. 'Umar, *Tafsīr Al-Qur'ān Al-ʿAẓīm*, Beirut, Dār al-Kutub al-ʿIlmīyya, 1419 AH.
14. Ibn Manẓūr, Muḥammad b. Mukarram, *Lisān al-ʿArab*, Beirut, Dār Ṣādir, 1414 AH.
15. Irbilī, 'Alī b. 'Isā, *Kashf al-Ghumma*, Tabriz, Banī Hāshemī, 1381 AH.
16. Jaṣṣāṣ, Aḥmad b. 'Alī, *Aḥkām al-Qur'ān*, Beirut, Dār 'Ihyā' al-Turāth al-ʿArabī, 1405 AH.
17. Khalīl b. Aḥmad, *Al-Ayn*, ed. Maḥdī Makhzūmī and Ibrāhīm Sāmīrrā'ī, Beirut, Dār wa Maktaba al-Hilāl, 1980.
18. Majlisī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Taqī, *Biḥār al-Anwār*, Beirut, Al-Wafā Foundation, 1403 AH.

19. Muslim b. Ḥajjāj, *Al-Ṣaḥīḥ*, ed. Muḥammad Fu'ād 'Abd al-Bāqī, Cairo, Ḥalabī Publishing House, 1955.
20. Qirṭubī, Muḥammad b. Aḥmabd, *Al-Jāmi' li Aḥkām al-Qur'an*, ed. Aḥmad 'Abd al-'Alīm Bardūnī, Cairo, Dār al-Sha'b, 1372 AH.
21. Shāfi'ī, Muḥammad b. Idrīs, *Ikbtilāf al-Ḥadīth*, in *Kitāb al-'Umm*, ed. 'Āmir Aḥmad Haydar, Beirut, Dār al-Fīkr, 1980.
22. Shahristānī, 'Alī, *Wuḍū' al-Nabī*, Mashhad, Jawād al-A'imma Foundation, 1416 AH.
23. Suyūṭī, 'Abdul-Raḥmān b. Abī Bakr, *Al-Durr al-Mantbūr*, Qom, Mar'ashī Najafī Library, 1404 AH.
24. Suyūṭī, 'Abdul-Raḥmān b. Abī Bakr, *Al-Itqān*, Beirut, Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1421 AH.
25. Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Jāmi' al-Bayān*, Beirut, Dār al-Ma'rifa, 1412 AH.
26. Ṭabraṣī, Faḍl b. Ḥasan, *Majma' al-Bayān*, Tehran, Nāṣer Khosrow, 1372 SAH.
27. Ṭurayḥī, Fakhrudīn b. Muḥammad 'Alī, *Majma' al-Baḥrayn*, Tehran, Mortaḍawī, 1375 SAH.
28. Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Tabdīb*, ed. Ḥasan Mūsawī Khirsān, Tehrān, Islāmīyya, 1407 AH.
29. Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Tibyān*, ed. Aḥmad Ḥabīb Qaṣīr al-'Āmilī, Najaf, Dār Iḥyā' al-Turāth, 1964.
30. Zuḥaylī, Wahba, *Al-Tafsīr al-Wasīṭ*, Damascus, Dār al-Fīkr, 1422 AH.